اختصاصی خراسان

## عاشق بازیگری به مرز خودکشی رسید

# ماجرای دختری در دام کارگردان قلابی!

**سید خلیل سجادپور**- دختر جوانی که به امید رسیدن به آرزوی بازیگری، طعمه کارگردان قلابی فیلم‌های کوتاه شده بود، در حالی به مرز خودکشی رسید که متوجه شد بازیچه‌ای برای خوشگذرانی بوده است!

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، سرگذشت تلخ این دختر جوان از حدود ۲ سال قبل زمانی آغاز شد که او برای گرفتن چند کپی از مدارک تحصیلی به یک کافی‌نت در مشهد رفت. دقایقی بعد «هایده» با دیدن تصویری از یک بازیگر معروف سینمایی، سفره آرزوهایش را روی میز متصدی ۳۶ ساله گشود و بدون هیچ شناختی از «نعیم» رویاهای هنرپیشگی را به تصویر کشید. او گفت: سال‌هاست که عاشق بازیگری شده‌ام و دوست دارم روزی در یک فیلم یا سریال بازی کنم!...

در این هنگام ناگهان «نعیم» جمله‌ای بر زبان راند که «هایده» را روی صندلی کافی‌نت میخکوب کرد. او گفت: من کارگردان هستم و تاکنون چند فیلم کوتاه را نیز کارگردانی کرده‌ام. حالا دیگر «هایده» در پوست خود نمی‌گنجید و دچار نوعی ذوق‌زدگی شده بود که از شدت خوشحالی فراموش کرد برای چه کاری وارد کافی‌نت شده است. «نعیم» که اوضاع را این گونه دید، شماره تلفن «هایده» را گرفت تا برای تست بازیگری از او دعوت کند و با یکدیگر در ارتباط باشند که اگر پذیرفته شد، در فیلم کوتاهی بازی کند که قرار است به زودی ساخته شود!

دختر ۱۸ ساله که احساس می‌کرد به رویای دیرینه‌اش رسیده است، شادمان از کافی‌نت بیرون آمد. او آن قدر در افکارش غرق بود که نفهمید چگونه به خانه رسیده است! هنوز یک ساعت بیشتر از این ماجرا سپری نشده بود که شماره ناشناسی روی گوشی تلفنش نقش بست. دختر جوان نگاهی تردیدآمیز به شماره تلفن انداخت ولی در نهایت کلید پاسخ را فشرد. دقایقی بعد «هایده» با دیدن تصویری از یک بازیگر معروف سینمایی، سفره آرزوهایش را روی میز متصدی ۳۶ ساله گشود و بدون هیچ شناختی از «نعیم» رویاهای هنرپیشگی را به تصویر کشید. او گفت: سال‌هاست که عاشق بازیگری شده‌ام و دوست دارم روزی در یک فیلم یا سریال بازی کنم!...

در این هنگام ناگهان «نعیم» جمله‌ای بر زبان راند که «هایده» را روی صندلی کافی‌نت میخکوب کرد. او گفت: من کارگردان هستم و تاکنون چند فیلم کوتاه را نیز کارگردانی کرده‌ام. حالا دیگر «هایده» در پوست خود نمی‌گنجید و دچار نوعی ذوق‌زدگی شده بود که از شدت خوشحالی فراموش کرد برای چه کاری وارد کافی‌نت شده است. «نعیم» که اوضاع را این گونه دید، شماره تلفن «هایده» را گرفت تا برای تست بازیگری از او دعوت کند و با یکدیگر در ارتباط باشند که اگر پذیرفته شد، در فیلم کوتاهی بازی کند که قرار است به زودی ساخته شود!

دختر ۱۸ ساله که احساس می‌کرد به رویای دیرینه‌اش رسیده است، شادمان از کافی‌نت بیرون آمد. او آن قدر در افکارش غرق بود که نفهمید چگونه به خانه رسیده است! هنوز یک ساعت بیشتر از این ماجرا سپری نشده بود که شماره ناشناسی روی گوشی تلفنش نقش بست. دختر جوان نگاهی تردیدآمیز به شماره تلفن انداخت ولی در نهایت کلید پاسخ را فشرد. در همین هنگام وقتی صدای من« نعیم» هستم را از آن سوی خط شنید، انگار همه دنیا را به او بخشیدند؛ «هایده» که دست و پایش را گم کرده بود با خوشحالی پاسخ داد: سلام آقا نعیم!

مرد ۳۶ ساله با بیان این که چیزی نمانده بود تلفن را قطع کنم! و آرزوهایت بر باد برود خنده حیله‌گرانه‌اش را دسیسه‌ای برای ارتباط صمیمانه با «هایده» قرارداد و از او برای گفت‌وگوی حضوری دعوت کرد.

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: عصر روز بعد «هایده» لباس‌های شیکی پوشید و به طرف کافی نت به راه افتاد اما از آنچه می‌دید به شدت تعجب کرده بود. در آن ساعت روز کافی نت خلوت بود و هیچ کدام از همکاران «نعیم» نیز در محل کارشان حضور نداشتند. با وجود این «هایده» سکوت کرد و با تعارف متصدی کافی نت روی صندلی نشست! لحظاتی بعد چای داغ مقابلش قرار گرفت اما «هایده» به خاطر شرم و حیا سرش را پایین انداخته بود. «نعیم» که نقشه شومی را در سر می‌پروراند خطاب به او گفت: راحت باش! قرار است از این به بعد با یکدیگر کار کنیم! پس نیازی نیست معذب باشی! دقایقی بعد «هایده» از ریز و درشت زندگی و خانواده‌اش سخن گفت و آرزوها و کمبودهایش را برای «نعیم» بازگو کرد. بعد از حدود یک ساعت گفت وگو «نعیم» کرکره کافی نت را پایین کشید و در حالی که خودرواش را روشن می‌کرد از «هایده» خواست تا در صندلی جلو بنشیند که او را نیز در مسیر به منزلشان برساند! در میانه راه او «هایده» را دلداری می‌داد که به زودی همه آرزوهایش برآورده می‌شود و او بالاخره در فیلمی بازی خواهد کرد که چون ستاره‌ای درخشان در آسمان هنر بازیگری خواهد درخشید!

او می‌گفت: تو بازیگر موفقی می‌شوی چون هم استعداد آن را داری و هم شایسته این درخشش هستی. تعریف و تمجیدهای «نعیم» هر لحظه بیشتر «هایده» را در افکارش غرق می‌کرد و خودرا در اوج قله‌های شهرت می‌دید و سرمست از غرور به رویاهایش می‌اندیشید. طولی نکشید که «نعیم» در نزدیکی محل سکونت «هایده» پدال ترمز را فشرد و او لبخندزنان به منزل بازگشت. آن شب تا سحر فقط به سخنان «نعیم» می‌اندیشید و فیلمی را در ذهنش تصور می‌کرد که قرار بود به زودی ساخته شود! از آن روز به بعد پیام‌ها و ارتباط‌های تلفنی «نعیم» رنگ و بوی عاطفی به خود گرفت و به جملاتی مهرآمیز رسید. تا این که چند روز بعد «نعیم» از او خواست باز هم به کافی نت بیاید. این بار «هایده» زیباترین لباس‌هایش را پوشید و با اندکی آرایش از خانه بیرون زد! او در پاسخ به سوال مادرش نیز گفت: با یکی از دوستان همکلاسی‌ام قرار دارم! نیم ساعت بعد «نعیم» با گشاده‌رویی از «هایده» استقبال کرد و لبخندزنان گفت: حالا دیگر وقت آن رسیده است که ساخت فیلم را شروع کنیم و تو برای اولین بار در فیلمی به کارگردانی من بازی خواهی کرد!

«نعیم» با بیان این جملات برگه‌ای را مقابل «هایده» گذاشت و سپس درخواست عجیبی را مطرح کرد. او در پاسخ به نگاه پرسش برانگیز «هایده» گفت: چیز مهمی نیست شما فقط امضا کنید، بالاخره این جا سرگرم بازی هستیم و چون در حس نقش فرو می‌رویم احتمال دارد ناخواسته دست‌هایمان با یکدیگر برخورد کند! این فقط یک صیغه محرمیت است که اگر چنین اتفاقی هم ناخواسته رخ داد، مشکلی نداشته باشیم! چون کار ما گروهی است و این گونه موارد اتفاق می‌افتد! وگرنه این برگه به درد چیز دیگری نمی‌خورد!...

«هایده» که نمی‌دانست واقعا چرا باید چنین برگه‌ای را امضا کند ولی به خاطر شوق رسیدن به آرزوی بازیگری، تار و پود افکار خوش‌بینانه‌اش را به یکدیگر گره زد و امضایش بر آن برگه کذایی نقش بست! در این لحظه «نعیم» دست دختر جوان را گرفت و گفت: ورودت را به دنیای بازیگری تبریک می‌گوییم!

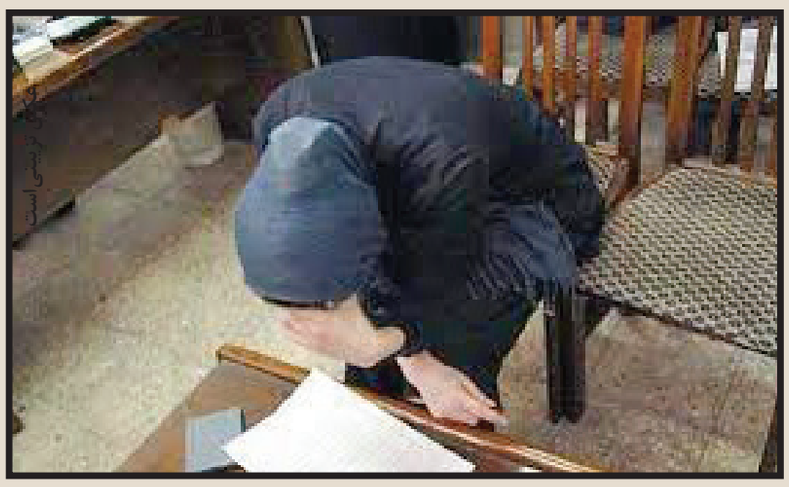

آن روز «هایده» به منزل بازگشت و باز هم پیامک‌های عاطفی یکی پس از دیگری برایش ارسال شد. حالا دیگر «هایده» هم به این گونه پیام‌ها عادت کرده بود و آرام آرام به «نعیم» علاقه‌مند می‌شد! اما همواره از این وحشت داشت که اگر پاسخ پیام‌های محبت آمیز او را ندهد، شاید دیگر هیچ‌گاه دنیای بازیگری را تجربه نکند به همین خاطر پیام‌ها رنگ عاشقانه به خود گرفت و این گونه روابط «نعیم» و «هایده» به خلوتگاه‌های احساسی رسید! دیگر «هایده» همه دوستان و حتی خانواده‌اش را فراموش کرده بود و تنها به امید بازی در یک فیلم کوتاه به سر قرارهای عاشقانه می‌رفت. «نعیم» که حالا طعمه خود را به خوبی فریفته بود همچنان او را با امید به بازیگری به سوی اهداف شوم خود می‌کشاند تا این که حدود ۲ سال از این آشنایی بازیچه‌گونه گذشت؛ ولی «هایده» هنوز حتی یک فیلم کوتاه هم بازی نکرده بود. «نعیم» باز هم او را به بهانه‌های مختلف از جمله کمبود نقدینگی و غیره سرگردان کرده بود تا جایی که چشم به طلاهای «هایده» دوخت. او نیز النگوها و گوشواره‌هایش را به خاطر دلسوزی و کسادی بازار به «نعیم» داد تا بالاخره فیلم کوتاه ساخته شود اما «هایده» آرام آرام متوجه شد که فریب کارگردان قلابی را خورده است و هیچ فیلمی در کار نیست، این گونه بود که با اعتراض وی تهدیدهای «نعیم» نیز شروع شد. حالا «هایده» از ترس رسوایی و آبروریزی بر سر دوراهی وحشتناک گیر افتاده بود و نمی‌خواست خانواده‌اش از ماجرا بویی ببرند. در همین حال مادر «هایده» که متوجه گوشه‌گیری و انزوای دخترش شده بود با مهارت خاصی به «هایده» نزدیک شد تا او مشکلش را با مادرش در میان بگذارد ولی باز هم «هایده» خودش را کنترل کرد و چیزی نگفت با وجود این، آن شب افکار مغشوشی در ذهن «هایده» رژه می‌رفتند تا این که او با یک تصمیم احمقانه تعدادی قرص را بلعید که برای جلوگیری از آبروریزی خودکشی کند. اما مادر که احساس می‌کرد دخترش از موضوعی رنج می‌برد او را زیر نظر داشت که در یک لحظه متوجه ماجرا شد و «هایده» را سراسیمه به بیمارستان رساند. بدین ترتیب «هایده» از مرگ نجات یافت و پس از بهبود نسبی به همراه پدر و مادرش وارد کلانتری شفای مشهد شد تا راز نهان خود را فاش کند. دقایقی بعد پدر «هایده» به اتهام اغفال و سوء استفاده از فرزندش، شکایتی را علیه «نعیم» مطرح کرد و سپس «هایده» که اکنون ۲۰ ساله بود مقابل مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری نشست و سرگذشت خود را بازگو کرد.

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: با صدور دستوری ویژه از سوی سرگرد سبکبار (رئیس کلانتری شفای مشهد) پرونده‌ای در این رابطه تشکیل و در حالی به مراجع قضایی ارسال شد که بررسی‌های روان‌شناختی و اقدامات مشاوره‌ای نیز برای «هایده» در دستور کار مشاوران زبده دایره مددکاری اجتماعی قرار گرفت.

در امتداد تاریکی

## زورگیری از زن باردار!

به پیشنهاد یکی از دوستانم که چند روز قبل با هم آشنا شده بودیم برای گوشی قاپی به بولوار توس رفتیم و گوشی زن بارداری را درون کوچه‌ای خلوت ربودیم که به من فقط یک پرس غذا رسید....

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، پسر ۱۷ ساله‌ای که به اتهام زورگیری توسط نیروهای انتظامی مشهد دستگیر شده است، در حالی که دستبندهای قانون بر دستانش خودنمایی می‌کرد، درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری معراج مشهد گفت: پدرم در یکی از روستاهای شهرستان قوچان به کشاورزی اشتغال داشت و مخارج زندگی ما را تامین می‌کرد. من هم تا کلاس سوم ابتدایی در روستا تحصیل می‌کردم اما به خاطر آن که علاقه‌ای به درس و مدرسه نداشتم، در همان مقطع ابتدایی ترک تحصیل کردم تا کنار پدرم کار کنم؛ ولی در همان زمان پدرم تصمیم به مهاجرت گرفت و ما برای ادامه زندگی راهی مشهد شدیم. در این شرایط به پیشنهاد پدرم و برای آن که حرفه‌ای بیاموزم در تعمیرگاه برق خودرو به عنوان شاگرد مشغول کار شدم؛ ولی اوقات بیکاری و استراحتم را در کلوب بازی های رایانه‌ای سپری می کردم که در نزدیکی محل سکونتمان بود. متاسفانه آن جا با افراد بزرگ‌تر از خودم دوست شدم و با ترغیب آن‌ها به مصرف حشیش و سیگار روی آوردم. حدود ۲ سال بود که دیگر کمتر به محل کارم می‌رفتم و بیشتر اوقاتم را در کلوب می گذراندم تا این که چند روز قبل با جوانی به نام «م» آشنا شدم. او که موتورسیکلت داشت به کلوب می‌آمد و این گونه رفاقت ما شکل گرفت. او در همان روزهای اولیه آشنایی، پیشنهاد گوشی قاپی با موتورسیکلت را مطرح کرد؛ من هم برای آن که نزد او کم نیاورم، پیشنهادش را پذیرفتم و با هم به توس ۹۷ رفتیم. من راکب موتورسیکلت بودم و «م» هم ترک‌نشین آن بود. هنگامی که در حال پرسه زنی برای یافتن طعمه‌ای بودیم ناگهان زن جوانی را درون کوچه‌ای خلوت دیدیم و به طرف او حرکت کردیم. «م» دریک لحظه از موتورسیکلت پایین پرید و با چاقو به سوی زن حمله‌ور شد. او از شدت ترس فریاد می‌کشید کمک کنید! من بار دار هستم! ولی «م» فقط تلاش می‌کرد تا گوشی تلفن او را از چنگش خارج کند. من هم که ترسیده بودم کارگرانی را دیدم که با بیل به سمت «م» هجوم آوردند ولی «م» بعد از چند دقیقه بالاخره گوشی را گرفت و به ترک موتورسیکلت پرید. من هم گاز آن را فشردم و از آن جا فرار کردیم. وقتی از آن محل دور شدیم، «م» مرا به کلوب رساند و موتورسیکلت را از من گرفت. سپس گوشی را به مبلغ ۷۰۰ هزار تومان فروخت و برای من و خودش یک پرس غذا گرفت. باقی مانده پول را هم مقداری شیره تریاک خرید تا بعد مصرف کند.

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: بررسی‌های ماموران انتظامی، برای کشف سرقت های احتمالی دیگر این نوجوان زورگیر، با دستور سرگرد امیررضا فعال (رئیس کلانتری معراج) ادامه دارد.

شایان ذکر است: عامل اصلی زورگیری توسط عوامل انتظامی دستگیر شده بود.

**ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی**

## کلاهبرداری با چک های سرقتی

**توکلی**- کلاهبرداری در قالب خرید و فروش آهن‌آلات و مصالح ساختمانی با چک های سرقتی در کرمان لو رفت. به گزارش خراسان، رئیس پلیس آگاهی استان کرمان در حالی از کشف پیش‌دستانه یک فقره کلاهبرداری در قالب خرید و فروش آهن‌آلات و مصالح ساختمانی با چک های سرقتی از تربت جام و استان های کردستان و همدان خبر داد که نیروهای پلیس آگاهی بر اساس اقدامات اطلاعاتی متوجه شدند فردی با هویت مشخص ضمن مراجعه به آهن فروشی های سطح شهر کرمان و ارائه چک های سرقتی اقدام به خرید مصالح ساختمانی و آهن‌آلات کرده و بلافاصله آن ها را با قیمت مناسب به فروش رسانده و به این طریق اقدام به کلاهبرداری از فروشندگان آهن‌آلات می کند. سرهنگ حمیدرضا میرحبیبی ادامه داد: از آن جا که کلاهبرداری از صنف فروشندگان آهن‌آلات به این شیوه باعث ضرر و زیان شدید به این قشر زحمتکش جامعه می شود، نیروهای پلیس آگاهی به سرعت و با جدیت برای شناسایی متهم مرتبط با این کلاهبرداری وارد عمل شدند و با تحقیقات پلیسی، این متهم را در یکی از نقاط سطح شهر دستگیر کردند. این مقام انتظامی تصریح کرد: در بررسی های بعدی مشخص شد دسته چک های مورد استفاده این متهم متعلق به افرادی دیگر و صادر شده از تربت جام و استان های کردستان و همدان است، که ضمن هشدار به اصناف مختلف در ارتباط با پیشگیری از این نوع کلاهبرداری، مراتب به سایر استان های کشور به منظور کشف کلاهبرداری های احتمالی منعکس شد تا از وقوع موارد مشابه و ایراد خسارت به سایر اصناف جلوگیری شود.

## «دیوار» بلای جان خریدار ایزوگام میلیاردی شد

**کرمانی**- عامل درج آگهی دروغین فروش ایزوگام و کلاهبرداری از یک شهروند کرمانی در استان های غربی شناسایی شد.

به گزارش خراسان، رئیس پلیس فتای کرمان بیان کرد: به دنبال ارجاع پرونده‌ای با موضوع کلاهبرداری از طریق درج آگهی دروغین فروش ایزوگام در سایت «دیوار» و پس از تحقیقات صورت گرفته مشخص شد مالباخته با مشاهده تبلیغ فروش و تحویل سریع ایزوگام با فرد مدنظر تماس گرفته و با تبلیغات فریبنده طرف مقابل مبلغ یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون ریال را طی دو مرحله به عنوان بیعانه پرداخت کرده اما کمی بعد آگهی مذکور حذف شده و کسی پاسخگوی تماسش نبوده است. سرهنگ رضایی اظهار کرد: با انجام اقدامات پلیسی در کوتاه‌ترین زمان ممکن متهم شناسایی و مشخص شد که وی در یکی از استان های غربی کشور سکونت دارد که در ادامه با انجام تحقیقات تکمیلی پرونده برای سیر مراحل لازم تحویل مراجع قضایی شد. رئیس پلیس فتای کرمان با بیان این که پرداخت بیعانه راهی برای کلاهبرداری از شهروندان شده است، افزود: لازم است در سایت های آگهی دهنده مثل دیوار، شیپور و ... قبل از واریز هر گونه وجه از صحت و سلامت معامله مطمئن شوید تا در دام کلاهبرداران فضای سایبری نیفتید؛ چرا که برخی از خود این سایت ها نیز طی پیام هایی اعلام کرده اند هیچ گونه منفعت و مسئولیتی در قبال معامله افراد ندارند و از این رو خود شهروندان باید ضمن توجه به هشدارهای امنیتی، مراقب تبلیغات فریبنده افراد سودجو و کلاهبردار در این سایت ها باشند.

## آتش بازی در عروسی ۱۲۰ کشته و بیش از ۲۰۰ مصدوم برجای گذاشت

آتش‌بازی در یک مراسم عروسی در شمال عراق، منجر به جان باختن ده‌ها نفر از جمله عروس و داماد شد. به گزارش خبرگزاری تسنیم، وقوع آتش‌سوزی در یکی از تالارهای عروسی الحمدانیه، واقع در استان نینوای عراق که گفته می‌شود علت آن آتش‌بازی بوده است، ۱۲۰ فوتی و ۲۰۰ مصدوم به‌جای گذاشت. این آتش‌سوزی منجر به ریزش سقف تالار و محصور شدن جمعیت در داخل آن شد و عروسی را به عزایی در سطح عراق تبدیل کرد و گفته می‌شود عروس و داماد در این حادثه جان خود را از دست داده‌اند. به دنبال این حادثه مقامات محلی در این شهرستان اعلام کردند که بیمارستان الحمدانیه ظرفیت پذیرش این تعداد مصدوم را ندارد و به همین دلیل بسیاری از مصدومان این حادثه ناگوار به استان‌های اطراف مانند کرکوک، اربیل و بغداد منتقل شدند و بیمارستان مذکور برای اهدای خون فراخوان داده است. بر اساس اظهارات شاهدان عینی، برخورد فشفشه به سقف تالار که از جنس اشتعال‌زا بوده، به آتش‌سوزی سریع منجر شده است و مواد مشتعل به همراه سقف بر سر مهمانان ریخته و این حادثه مرگبار را رقم زده است. فرماندهی عملیات استان نینوا اعلام کرد که به دنبال حادثه مرگبار در عروسی الحمدانیه واقع در این استان، ۹ نفر از مسئولان در این شهرستان را بازداشت کرده است.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان جنوبی اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بیرجند منطقه یک
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۸۰۰۱۰۰۲۰۶۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بیرجند منطقه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم مبارک سیرتی فرزند غلامرضا به شماره شناسنامه ۲ صادره از بیرجند در ششدانگ یک دربند مغازه به مساحت ۲۴/۹۷ متر مربع قسمتی از باقیمانده پلاک ۴۱۷۶ - اصلی وصل ۱۴۰۱ - اصلی بخش ۲ بیرجند خریداری از مالک رسمی آقای غلامحسین کامیابی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. شناسه ۱۵۶۵۷۴۷

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۷/۰۶

عباس شهابی – رئیس ثبت اسناد و املاک

مشاهده تمامی آگهی های
خراسان بزرگ
www.mozayedemonaghese.com
واحد پذیرش و سایت ۰۲۱-۴۱۱۰۵۴۳۵
حراج مناقصه
زودتر با خبر شوید ...

آگهی مزایده اموال منقول (خودرو) شماره بایگانی ۱۴۰۱۰۰۲۷۶

خانم تکتم شادکام بیرک علیا فرزند عیسی شماره ملی ۰۸۶۰۰۰۶۳۰۱ به استناد سند ازدواج شماره ۱۶۷۲۷ مورخ ۱۳۹۴/۰۷/۲۱ اجرائیه ای تحت کلاسه ۱۴۰۱۰۴۰۰۶۲۱۹۰۰۰۴۷۵ (شماره بایگانی ۱۴۰۱۰۰۲۷۶) در قبال تعداد ۳۰۰ عدد سکه تمام بهار آزادی علیه مرتضی شیر مست فرزند علی اکبر شماره ملی ۰۸۷۲۴۳۷۸۵۱ صادر نمود که پس از ابلاغ اجرائیه در مورخه ۱۴۰۰/۰۵/۰۹ و طی مراحل قانونی مقرر در آیین نامه اجرای مفاد رسمی لازم الاجرا که حسب تقاضای بستانکار مبنی بر توقیف و ارزیابی و مزایده یک دستگاه اتومبیل سواری پراید شماره پلاک انتظامی ۳۲ ایران ۴۲۲ ط ۵۹ رنگ سفید مدل ۱۳۸۹ شماره موتور ۳۷۴۸۳۱۰ شماره شاسی S 14122896674344 برابر گزارش کارشناس رسمی دادگستری خودرو لبه در یموتور خوردگی دارد سرگلگیر جلو چپ و راست صافکاری و نقاشی شده درب صندوق عقب خوردگی دارد لاستیکها ۴ حلقه ۷۰ درصد قابل استفاده. لذا برابر گزارش کارشناس رسمی قیمت پایه خودرو مبلغ ۱/۰۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال یکصدوپنج میلیون تومان ارزیابی گردیده است در روز چهارشنبه ۱۴۰۲/۰۷/۱۹ از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهر در شاندیز - فرمانیه پارکینگ پاس رضا شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی واگذار می گردد. حقوق دولتی و حق مزایده طبق مقررات وصول خواهد شد سایر هزینههای قانونی متعلقه و نیز بدهی مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد بر عهده برنده مزایده میباشد.

م الف ۳۲۸ تاریخ انتشار: پنج شنبه ۱۴۰۲/۰۷/۰۶
۳۶۸۹۴

حسن ابوترابی رئیس ثبت اسناد و املاک طرقبه شاندیز

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظر به اینکه آقای /خانم خاور رئوفی سنگانی دارای شناسنامه شماره ۰۷۳۱۸۴۲۳۶۷ به شرح دادخواست به کلاسه ۱/۰۲۰۰۷۹۶ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان محمدعلی باغ جری بقسانی به کد ملی ۰۷۶۹۰۵۸۷۴۴ در تاریخ ۱۴۰۲/۵/۲۶ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به ۱- جمشید باغ جری بقسانی به کدملی ۰۷۳۰۰۹۰۵۰۷ متولد ۱۳۵۱/۲/۱۶ ،فرزند محمدعلی صادره از تربت جام ۲- جهانگیر باغ جری بقسانی به کد ملی ۰۷۳۱۷۱۷۴۱۴ متولد ۱۳۵۵/۱/۱ فرزند محمدعلی صادره از تربت جام ۳- مهین باغ جری بقسانی به کد ملی ۰۷۳۱۷۲۷۴۲۸ متولد ۱۳۵۸/۱/۲۴ فرزند محمدعلی صادره از تربت جام ۴- حنیفه باغ جری بقسانی به کد ملی ۰۷۳۱۷۴۰۲۰۳ متولد ۱۳۵۹/۱۰/۱۱ فرزندمحمد علی صادره از تربت جام ۵- امیررضا باغ جری بقسانی به کد ملی ۰۷۳۱۷۶۶۸۴۹ متولد ۱۳۶۲/۱/۱ فرزند محمدعلی صادره از تربت جام ۶- صغرا باغ جری بقسانی به کد ملی ۰۷۳۱۷۸۲۷۸۱ متولد ۱۳۶۳/۱/۵ فرزند محمد علی صادره از تربت جام ۷- خاور رئوفی سنگانی به کد ملی ۰۷۳۱۸۴۲۳۶۷ متولد ۱۳۳۲/۴/۱ فرزند دوست محمد ، همسر صادره از تربت جام غمن آباد ۸- رضا باغ جری بقسانی به کد ملی ۰۷۳۲۳۶۹۴۸۷ متولد ۱۳۶۶/۳/۱ فرزند محمد علی صادره از تربت جام ، اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادرخواهد شد. م الف ۴۰۲/۴۲
۳۶۸۷۱

قاضی شورا شعبه اول شورای حل اختلاف شهرستان تربت جام

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای مهدی محمدزاده خادم با ارائه استشهاد محلی گواهی امضاء شده تقاضای صدور سند مالکیت المثنی به میزان مالکیت سه دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ۲۲۴ فرعی از ۱۷۱ اصلی بخش ۱۰ مشهد را نموده که پلاک فوق الذکر به نام آقای اسماعیل محمدزاده خادم ذیل دفتر ۱۰۶ صفحه ۷۳ شماره ثبت ۲۱۰۷۳ ثبت و سند به شماره ۲۴۵۵۴۰۲ سال ۵۰ صادر گردید و برابر سند قطعی به شماره ۴۲۱۱ به نام مهدی محمدزاده خادم انتقال گردید و فاقد بازداشت و رهن می باشد حسب اعلام متقاضی صدور سند المثنی در اثر سهل انگاری مفقود شده در اجرای ماده ۱۲۰ اصلاحی آئین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی تا چنانچه اشخاصی مدعی انجام معامله یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود میباشند ظرف ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض خود را همراه اصل سند مالکیت یا سند معامله به اداره ثبت محل ارائه تا مراتب صورت جلسه گردد. چنانچه پس از اتمام مدت مقرر اعتراض ارائه نگردد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود این اداره مطابق مقررات اقدام به صدور سند مالکیت المثنی به نام مالک خواهد نمود.م الف ۳۳۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۶
۳۶۸۹۲

حسن ابوترابی –مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک طرقبه شاندیز –از طرف احمد احمدی